



دو قرن نیرنگ

داستان تلخ سیاست استعماری انگلیس در ایران

به انضمام کتاب «ایرانیان در میان انگلیسیها»
نوشته سر دنیس رایت سفیر پیشین انگلیس در ایران

تألیف و ترجمه: محمود طلوعی

فهرست مطالب

مقدمه..... ۷

بخش اول - دو قرن نیرنگ

- فصل اول - نظری به گذشته..... ۱۹
- فصل دوم - مراحل رشد سیاست استعماری انگلیس در ایران..... ۵۳
- فصل سوم - از قتل امیرکبیر تا اولین جنگ ایران و انگلیس..... ۷۳
- فصل چهارم - از انقلاب مشروطیت تا قرارداد ۱۹۱۹..... ۹۳
- فصل پنجم - از کودتای ۱۲۹۹ تا انقراض قاجاریه..... ۱۰۹
- فصل ششم - انگلیسی‌ها و سلطنت رضاشاه..... ۱۳۱
- فصل هفتم - صعود و سقوط محمدرضاشاه..... ۱۶۳
- فصل هشتم - نتیجه..... ۲۰۱

بخش دوم - ایرانیان در میان انگلیسیها

- مقدمه مترجم..... ۲۴۷
- مقدمه نویسنده..... ۲۵۱
- فصل اول - اولین سفیر ایران در لندن..... ۲۶۱
- فصل دوم - یک ایرانی که به نمایندگی انگلیس به ایران رفت..... ۲۷۵
- فصل سوم - یک مصیبت وحشتناک!..... ۲۹۹

| | |
|-----|--|
| ۳۱۳ | فصل چهارم - سفیر ناخوانده |
| ۳۲۷ | فصل پنجم - دو ایرانی از هندوستان |
| ۳۴۱ | فصل ششم - سفیر فوق‌العاده |
| ۳۶۹ | فصل هفتم - اولین محصلین ایرانی در انگلستان |
| ۳۹۵ | فصل هشتم - داستان سه شاهزاده |
| ۴۱۹ | فصل نهم - سه مأموریت دیپلماتیک |
| ۴۴۷ | فصل دهم - شاه از انگلستان دیدن می‌کند |
| ۴۸۱ | فصل یازدهم - محصلین بعدی |
| ۴۹۷ | فصل دوازدهم - اقتضاح «لاطاری» |
| ۵۲۳ | فصل سیزدهم - فراماسونری، اسلحه پنهان انگلیس؟ |
| ۵۳۱ | فصل چهاردهم - کابوس نشان بند جوراب |
| ۵۵۱ | فصل پانزدهم - «بستی‌ها» و افراد تحت حمایت |
| ۵۸۱ | فصل شانزدهم - آخرین قاجارها |

بخش سوم - اسناد برگزیده

از صفحه ۵۸۹ - ۶۷۰

مقدمه

با آغاز قرن بیست و یکم میلادی دو قرن تمام از آغاز روابط سیاسی بین ایران و انگلیس می‌گذرد. پیش از برقراری روابط رسمی بین ایران و انگلستان، که با سفر سر جان مالکوم به ایران در سال ۱۸۰۰ و انعقاد نخستین قرارداد ایران و انگلیس در سال ۱۸۰۱ آغاز شد، قریب دویست سال، یعنی از اوایل قرن هفدهم و دوران پادشاهی سلاطین صفویه در ایران نیز مراوداتی بین ایرانیان و انگلیسیها جریان داشت، ولی این رفت‌وآمدها به برقراری روابط سیاسی و رسمی بین ایران و انگلیس منجر نشد و دولت انگلستان هم مستقیماً دخالتی در امور ایران نداشت.

تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دو قرن اخیر نیز به سه دوره مشخص تقسیم می‌شود: دوران قاجاریه که از اوایل قرن نوزدهم آغاز و به سال ۱۹۲۵ و آغاز پادشاهی رضاخان ختم می‌شود، دوران سلطنت پهلویها که از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۷۹ قریب ۵۴ سال به طول انجامید، و دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی که هنگام تدوین و انتشار این کتاب در آستانه بیست و چهارمین سال آن هستیم.

دوران قاجاریه طولانی‌ترین و پرحادثه‌ترین بخش این تاریخ دویست‌ساله است و نفوذ استعماری انگلیس در ایران، در این دوران شکل گرفته است. این تاریخ سیاه و شرم‌آور از مداخلات روزافزون انگلیسیها در امور ایران حکایت می‌کند، که اگر بخشی از آن ناشی از مطامع استعمارگران انگلیسی و ترفندهای آنان برای سلطه سیاسی و اقتصادی بر ایران و غارت منابع ثروت این کشور باشد، بخشی نیز از سلطه‌پذیری و نوکرصفتی و بی‌وطنی فرمانروایان و رجال و شبه‌رجال این دوران ناشی شده است. بعضی از دولتمردان وطن‌پرست این دوران، مانند میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام فراهانی و

میرزا تقی خان امیرکبیر هم که خواستند در برابر مداخلات بی‌رویه استعمارگران قد علم کنند، با نفوذ مخرب انگلیسیها در دربار قاجار سربه‌نیست شدند و اندک مقاومتی از طرف دو پادشاه قاجار، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه در برابر انگلیسیها به مداخله نظامی انگلیس در ایران و تحکیم پایه‌های سلطه استعماری انگلستان بر ایران انجامید.

بعضی از تاریخ‌نویسان طرفدار قاجاریه، که چند شاهزاده قاجار و وقایع‌نگارانی از قبیل حسین مکی نیز از آن جمله‌اند، در کتابهایی که طی دو دهه اخیر منتشر شده است، با بزرگ‌نمایی چند حرکت کوچک در مقابل استعمارگران انگلیس که به آن اشاره شد، یا تحریف وقایعی که نخست به کودتای ۱۲۹۹ هجری شمسی و سپس انقراض قاجاریه انجامید، می‌خواهند چنین وانمود کنند که عدم رضایت انگلیسیها از قاجاریه و بخصوص مقاومت آخرین پادشاه قاجار در برابر آنان، موجبات کودتای ۱۲۹۹ و انقراض قاجاریه را فراهم ساخته است. اسناد و مدارکی که طی دو دهه اخیر درباره نقش انگلیسیها در وقایع اواخر قاجاریه و اوایل سلطنت پهلویها انتشار یافته و تحقیقات جامع و باارزشی که از طرف چند پژوهشگر ایرانی نظیر شادروان دکتر جواد شیخ‌الاسلامی و دکتر سیروس غنی و هوشنگ صباحی به استناد مدارک و اسناد موجود منتشر شده است، بطلان این ادعاها را ثابت می‌کند.

نقش انگلیسیها در کودتای ۱۲۹۹، به موجب اسناد و مدارکی که در متن کتاب به آن اشاره خواهد شد، مورد تردید نیست، لیکن همین اسناد و مدارک حاکی از این است که هدف انگلیسیها از فراهم ساختن موجبات کودتای ۱۲۹۹ سرنگون ساختن سلطنت قاجاریه نبود، بلکه به علت بی‌کفایتی پادشاه وقت قاجار، در برابر خطر سلطه بلشویکها بر ایران، که منافع انگلستان را در معرض خطر جدی قرار داده بود، به یک حکومت قوی در ایران نیاز داشتند، و زمامدار قوی مورد نظر آنها نیز نه رضاخان، بلکه سیدضیاءالدین بود. رضاخان فرمانده نیروهای قزاق به‌عنوان بازوی نظامی کودتا مورد استفاده قرار گرفت، ولی بی‌سیاستی سیدضیاءالدین در حکومت صدروزه‌اش موجبات سقوط او را فراهم ساخت، و رضاخان که به مراتب زیرکتر و سیاستمدارتر از او بود، موفق شد با جلب اعتماد احمدشاه با عنوان سردار سپهی و مقام وزارت جنگ در کابینه‌های بعدی راه صعود خود را به اریکه قدرت هموار سازد.

بعد از سیدضیاءالدین، قوام‌السلطنه که دو بار در اواخر سلطنت احمدشاه مقام

نخست‌وزیری را برعهده گرفته بود، مدعی اصلی قدرت در ایران به‌شمار می‌آمد و چون رضاخان را سد راه خود می‌دید، توطئه قتل او را فراهم ساخت، ولی رضاخان این سیاستمدار کهنه‌کار را هم مات کرد و پیش از این که توطئه قوام‌السلطنه به‌ثمر برسد، عوامل توطئه و خود قوام‌السلطنه را دستگیر کرد. مشیرالدوله رئیس‌الوزرای وقت که قادر به جلوگیری از اعمال خودسرانه وزیر جنگ خود نبود استعفا داد و زمینه برای نخست‌وزیری رضاخان فراهم گردید.

رضاخان در مدت قریب سی ماه تصدی وزارت جنگ در کابینه‌های مختلف، هم با رجال سیاسی وقت و هم با سفارتخانه‌های خارجی روابط نزدیکی برقرار کرده بود. آنچه در اینجا مورد نظر است روابط او با انگلیسیها و نقش انگلستان در صعود وی بر اریکه قدرت می‌باشد. «هرمن نورمن»^۱ وزیر مختار انگلیس در ایران در زمان کودتا، که از حامیان سیدضیاءالدین بود و در گزینش رضاخان برای ایفای نقش بازوی نظامی کودتا از طرف ژنرال آیرونساید^۲ فرمانده وقت نیروهای انگلیس نقشی نداشت، از آغاز نسبت به رضاخان نظر مساعدی نداشت و مکاتبات او با وزارت خارجه انگلیس مبین این بدبینی است. نورمن بخصوص پس از برکناری و تبعید سیدضیاءالدین از ایران، که رضاخان نقش مؤثری در آن ایفا کرد، بیش از پیش به رضاخان خصومت می‌ورزید و در یکی از نامه‌های خود به عنوان لرد کرزن وزیر خارجه انگلیس به تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۲۱ از رضاخان به‌عنوان «یک شخصیت خبیث» و غیرقابل اعتماد یاد کرد. نورمن که تا اواخر سال ۱۹۲۱ در سمت وزیر مختار انگلیس در ایران باقی ماند در مکاتبات بعدی خود با وزارت خارجه انگلستان مرتباً مراتب بدگمانی و نگرانی خود را از رضاخان تکرار می‌نمود و درباره ارتباطات او با روسها هشدار می‌داد.

رضاخان با وجود تحریکاتی که نورمن علیه وی آغاز کرده بود، با سرکوبی قیام کلنل پسیان در خراسان و قیام میرزا کوچک‌خان در گیلان موقعیت خود را استحکام بخشید و دولت انگلستان مصلحت خود را در این دید که با اعزام دیپلمات ورزیده و انعطاف‌پذیری به ایران، با رضاخان روابط نزدیکتری برقرار کند. وزیر مختار جدید

1. Herman C. Norman

2. Ironside

انگلیس در ایران سرپرسی لورین^۱ بود که در ژانویه سال ۱۹۲۲ پس از نخستین ملاقاتش با رضاخان گزارش مثبتی درباره او به لندن فرستاد و ضمن آن نوشت که برخلاف نظر سلف خود معتقد است که رضاخان نه فقط طرفدار روسها نیست بلکه می‌تواند سد محکمی در برابر نفوذ بلشویکها در ایران به وجود آورد. سرپرسی لورین در این گزارش که به تاریخ ۳۱ ژانویه سال ۱۹۲۲ فرستاده است می‌نویسد: «رضاخان درباره شایعات مربوط به طرفداری او از بلشویکها گفت: این تصور از آنجا ناشی شده است که وی در تابستان گذشته مکرر به سفارت روسیه رفته و با مقامات روس در ایران ملاقات و مذاکره کرده است. اما واقعیت این است که این رفت و آمدها برای فریب دادن روسها و جلب موافقت آنها برای بیرون بردن نیروهایشان از ایالات شمالی و عدم مداخله در کار سرکوب قیام جنگلیها بوده و در این کار نیز موفق شده است!»

سرپرسی لورین پس از دو ملاقات دیگر با رضاخان چنان تحت تأثیر شخصیت او قرار گرفت که در گزارشی به وزیر خارجه انگلیس به تاریخ دوم مارس ۱۹۲۲ نوشت: شخصیت قدرتمند رضاخان می‌تواند ما را از بسیاری مشکلاتی که با سیاست‌پیشگان ایرانی داریم نجات بدهد... او به من اطمینان داد که با دست ایرانیها همان کاری را خواهد کرد که انگلیسیها می‌خواستند به دست خود انجام بدهند و افزود با تشکیل ارتش نیرومند و برقراری نظم و امنیت خیال ما را از بابت ایران راحت خواهد کرد.

گزارشهای بعدی سرپرسی لورین به وزارت خارجه انگلیس نیز همه حاکی از خوشبینی او نسبت به رضاخان و بدبینی روزافزون نسبت به احمدشاه و دولتمردان ایرانی است. در یکی از این گزارشها به تاریخ دوم اوت سال ۱۹۲۲ می‌خوانیم «قوام‌السلطنه، مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک سر و ته یک کرباسند و به کار ما نمی‌خورند» و لرد کرزن وزیر خارجه وقت انگلیس در تأیید نظر وزیر مختار خود در ایران در زمان زمامداری مشیرالدوله می‌نویسد «مشیرالدوله هم به همان بدی دیگران است... تفاوتی نمی‌کند که چه کسی بر سر کار و چه کسی برکنار باشد، همه به یک اندازه نالایق و فاسد هستند!»

با وجود این وقتی که پس از استعفای مشیرالدوله، رضاخان داوطلب احراز مقام

1. Sir Percy Loraine

رئیس‌الوزرای ایران می‌شود، انگلیسیها از صعود او به مسند قدرت نگران می‌شوند و کرزن از سرپرسی لورین می‌خواهد که با استفاده از روابط دوستانه خود با رضاخان او را از این کار برحذر دارد. گزارش مفصل ملاقات و مذاکرات وزیر مختار انگلیس با رضاخان که روز ۲۴ اکتبر سال ۱۹۲۳، یعنی سه روز قبل از صدور فرمان رئیس‌الوزرای رضاخان صورت گرفته یکی از جالبترین اسناد مربوط به تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس می‌باشد، که چون در منابع دیگر به آن اشاره نشده، فشرده‌ای از آن را به نظر خوانندگان می‌رسانیم: در آغاز این گزارش مفصل که به وسیله دبیر سفارت انگلیس تهیه شده آمده است که وزیر مختار انگلیس نخست با ارائه نقشه منابع نفتی خوزستان به سردار سپه درباره اهمیت حفظ امنیت منطقه و دلیل ارتباط شرکت نفت با قبایل محلی برای حفظ امنیت کارگاهها و لوله‌ها و تأسیسات نفتی توضیحاتی به وی داد. رضاخان سردار سپه مؤکداً از وزیر مختار انگلیس خواست که منبع از هرگونه ارتباط با قبایل و عشایر محلی اجتناب نمایند و مسئولیت حفظ امنیت تأسیسات و لوله‌های نفتی را به عهده قوای دولتی بگذارند. سردار سپه در شرح اقدامات خود برای تقویت قشون به سفارش خرید چهار یا پنج هواپیما و تعدادی تانک و توپهای کوهستانی و اتومبیلهای زره‌پوش رولز رویس اشاره کرد و از وزیر مختار خواست که اجازه حمل این سفارشات را از طریق بندر بصره تحصیل نماید، زیرا ورود این تجهیزات از طریق بندر بوشهر خالی از اشکال نیست.

در ادامه مذاکرات وزیر مختار انگلیس با سردار سپه موضوع هزینه‌های نظامی ایران و علت پنهان نگاه داشتن آن عنوان شد. سردار سپه فاش کرد که برای تأمین مخارج قشون، علاوه بر بودجه‌ای که دولت در اختیار او گذاشته و کفایت نمی‌کند از خانواده‌های ثروتمند ایرانی هم مبالغی دریافت داشته و صرف مخارج قشون کرده است. رضاخان به دو رقم عمده ۷۰۰۰۰۰ تومان که از خانواده ظل‌السلطان گرفته شده و ۳۰۰۰۰۰ تومان که فرمانفرما در اختیار او گذاشته اشاره کرد و گفت که مبلغی از این پولها خرج شده و بقیه در یک حساب بانکی برای مخارج ضروری نگاهداری می‌شود.

وزیر مختار با سپاسگزاری از حسن اعتماد و صداقت رضاخان که این اطلاعات را در اختیار او گذاشته، فرصت را برای استفسار درباره موضوع بازداشت قوام‌السلطنه مغتتم شمرد. سردار سپه گفت این یک داستان طولانی است که نمی‌تواند جزئیات آن را بیان

کند، ولی قضیه به اختصار از این قرار است که قوام السلطنه از دوره دوم رئیس‌الوزرای خود دست به تحریکاتی علیه سردار سپه زده و می‌خواست به هر ترتیبی شده با کنار زدن او قدرت مطلقه را به دست بگیرد. قوام السلطنه برای اجرای نقشه خود یکی از افسران پیشین ژاندارمری به نام سردار انتصار را تحریک کرد تا با استفاده از نارضایتی افسران ژاندارمری که از موقعیت خود در قشون جدید ایران راضی نبودند حرکتی علیه سردار سپه در صفوف نیروهای مسلح به وجود آورد. سردار انتصار ۱۵۰ تن از افسران پیشین ژاندارمری را به دور خود جمع کرد تا یک روز هنگام تشکیل جلسه هیئت دولت، در اطراف عمارتی که جلسه هیئت دولت تشکیل می‌شود اجتماع کنند و هنگامی که سردار سپه می‌خواهد برای شرکت در جلسه وارد ساختمان شود او را دستگیر نمایند و از رئیس‌الوزرا بخواهند که وی را از کار برکنار کند. قوام السلطنه با این نقشه موافقت کرد، ولی وقتی سردار انتصار از او خواست که حکم کتبی بازداشت سردار سپه را به وی ابلاغ نماید، قوام السلطنه از صدور حکم کتبی بازداشت سردار سپه خودداری نمود و این نقشه عملی نشد. قوام السلطنه پس از ناکام ماندن این توطئه چهار تروریست قفقازی را مأمور ترور رضاخان نمود، ولی آنها هم موقعیت و فرصت مناسبی برای اجرای مأموریت خود به دست نیاوردند، یا جرأت این کار را پیدا نکردند. مأموریت بعدی این تروریستها ایجاد اغتشاش و ناامنی در تهران بود تا بهانه‌ای برای برکناری سردار سپه به عنوان عدم کفایت در ایجاد امنیت به دست قوام السلطنه بدهد. تروریستها پس از دو فقره قتل متواری شدند، ولی یکی از آنها در قزوین دستگیر شد و با اطلاعاتی که از وی به دست آمد سه نفر دیگر نیز شناسایی و بازداشت شدند. آنها به توطئه قتل سردار سپه و ارتباط قوام السلطنه با این توطئه اعتراف کردند و قوام السلطنه که در این تاریخ از کار برکنار بود و بازگشت خود را به قدرت در گرو سقوط سردار سپه یا قتل او می‌دانست، به دستور مستقیم رضاخان دستگیر و زندانی شد.

سردار سپه در ادامه توضیحات خود درباره علت دستگیری قوام السلطنه افزود که به موجب اسناد و مدارکی که در وزارت جنگ موجود است هنگام سفر او به بوشهر برای استقبال از شاه که از سفر اروپا مراجعت می‌کرد، توطئه‌ای برای قتل او به دست عشایر مسلح ترتیب داده شده بود، که ارتباط قوام السلطنه با این توطئه نیز در دست بررسی است. وزیر مختار با سپاسگزاری از سردار سپه به مناسبت اطلاعاتی که در اختیار وی

گذاشته است گفت تا آنجا که وی اطلاع دارد قوام السلطنه در شمیران تحت نظر است و از سردار سپه خواست که در صورت امکان ترتیب ملاقات او را با قوام السلطنه در محل بازداشت وی بدهد. سردار سپه گفت در شرایط فعلی ملاقات هیچ مأمور خارجی را با قوام السلطنه مصلحت نمی‌داند.

وزیر مختار سپس به موضوع اصلی ملاقات خود با سردار سپه پرداخت و ضمن گفتگو دربارهٔ اوضاع سیاسی ایران از رضاخان پرسید آیا وی واقعاً قصد دارد در این شرایط رئیس‌الوزرای ایران بشود؟ سردار سپه پاسخ داد مشیرالدوله با وجود اصرار شاه که در مدت مسافرت او به اروپا در مقام نخست‌وزیری باقی بماند استعفا داد و شاه ضمن مشورت برای تعیین رئیس‌الوزرای جدید از او خواسته است که در غیاب وی در مقام وزارت جنگ مسئولیت حفظ امنیت مملکت را به عهده بگیرد. سردار سپه در پاسخ می‌گوید که او هم از کار خسته شده و مایل است همراه شاه به اروپا برود. شاه می‌گوید در اوضاع فعلی مملکت هردو ما نمی‌توانیم از ایران خارج شویم. سردار سپه می‌گوید در صورتی حاضر است در ایران بماند که ریاست دولت به خود او محول شود، زیرا در غیر این صورت با تحریکات گوناگونی که علیه وی وجود دارد، نمی‌تواند به کار ادامه دهد.

وزیر مختار گفت با روابط نزدیک و دوستانه‌ای که با سردار سپه دارد، از این که سردار سپه به مقام نخست‌وزیری منصوب شود خوشحال خواهد شد و اطمینان دارد که در مقام جدید نیز می‌تواند روابط بسیار خوب و رضایت‌بخشی با سردار سپه داشته باشد، اما به عنوان یک دوست، می‌خواهد بی‌پرده و صمیمانه عقیدهٔ خود را بیان کند. وزیر مختار با این مقدمه افزود که قبول مقام رئیس‌الوزرایی را از طرف سردار سپه به مصلحت خود او نمی‌داند و توصیه می‌کند که به همان مقام وزارت جنگ اکتفا نماید. وزیر مختار افزود سردار سپه در مقام وزارت جنگ خدمات بزرگی به کشور خواهد کرد و در این مقام آسیب‌ناپذیر است، ولی اگر بخواهد وارد معرکهٔ سیاست بشود با تحریکات گوناگون و روزافزونی مواجه خواهد شد. وزیر مختار با یادآوری دوران کوتاه زمامداری نخست‌وزیران پیشین گفت که دولت سردار سپه هم ممکن است مدت زیادی دوام نیاورد و سقوط او برای مملکت فاجعه‌بار خواهد بود.

سردار سپه در پاسخ گفت تردیدی ندارد که تذکرات وزیر مختار صادقانه و به‌منظور